

نگذاریم احکام اعدام اجرا شود! متحدانه علیه مزدوران نظام اسلامی بایستیم. سخنی با مردم سرپل ذهاب

صفحه ۲

نسان نودینیان



توهین به مردم سندج و فعالین این شهر ممنوع!

صفحه ۲

محمد آسنگران

از دواج دختران ۱۳ سال

صفحه ۲

عزیزه لطف الهی

یادداشت‌های هفته

صفحه ۳

عبدل گلپریان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

ضرب و شتم دست فروشان، اینبار در تبریز

صفحه ۵

اطلاعیه کمیته آذربایجان

این نیز بگذرد! کسانی که در سیاه‌ترین دوران زندگی مردم به بزک کردن هیتلرها مشغول شده‌اند!

صفحه ۶

مینا احدی

کارگران پلی اکریل باز هم در خیابانهای اصفهان راهپیمایی کردند

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

ناسیونالیسم کرد در سوگ رفسنجانی

عبدل گلپریان

"یوسف محمد صادق رئیس پارلمان تعطیل شده اقلیم کردستان عراق بخاطر مردن رفسنجانی پیامی خطاب به علی لاریجانی فرستاده و در این پیام او رفسنجانی را مردی بزرگ و سیاستمداری میانه رو نام میبرد که نقش بزرگی در فرم سیاسی و دینی در نظام اسلامی ایفا کرده است. یوسف محمد از طرف خود و مردم کردستان عراق به علی لاریجانی و خانواده رفسنجانی تسلیت گفته است". علاوه بر یوسف محمد، مسعود بارزانی هم پیام جداگانه‌ای منتشر کرده است. بقیه سران احزاب قومی عشیره‌ای کردستان عراق هم در صف پیام دادن هستند.

رسم است که بعد از مردن هر یک از سران و یا کاربدستان حکومتها، دادن پیامها از جانب افراد و کاربدستان حکومتها خطاب به هم‌تایانشان در دیگر کشورها نرم متعارفی است. اما پیام یوسف محمد از دو نظر از این قاعده خارج است و معنی ندارد.

یکم اینکه او رئیس پارلمان نیست چرا که بیش از یکسال است که از این پست توسط بارزانی که

خود او نیز دو سال است مشروعیت ریاستش تمام شده کنار گذاشته شده است. علاوه بر این حدود یکسال و نیم است که چیزی به اسم پارلمان نیز در کردستان عراق موضوعیت ندارد. اما تا همینجای کار هم اگر از این ژست‌های مسخره آمیز در جبهه ناسیونالیسم کرد که بگذریم، به جنبه دوم میرسیم آنهم اینکه، یوسف محمد زیاده از حد دست و دلبازی بخرج داده و پیامش بمناسبت به درک واصل شدن یکی از مهرهای جنایتکار اسلامی حاکم بر ایران را از

۲۱ دی ۹۵

۱۰ ژانویه ۲۰۱۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

توهین به مردم سنندج و فعالین این شهر ممنوع!



محمد آسنگران

اینقدر پایین بود که آدمی مثل اسپور آنها را عوامل "وصله پینه کردن قوانین قصاص" بنامد؟ این تفکر بیمار گونه از کجا ناشی میشود بجز از مغز یک آدم و گرایش مالیخولیا؟

هر انسان با شعور و شرافتمندی بدون تامل باید به این فرد تذکر بدهد: از مردم سنندج معذرت بخواهید! توضیح و استدلال زیادی لازم نیست که به این فحاش بگویم مردم سنندج با تاریخ مبارزات خود و با سنتهای پیشرو و انسانی حقشان این نبود و نیست که این چنین مورد اهانت قرار بگیرند. کسی که چشمش را بسته و دهن باز کرده و این چنین مردم و فعالین و تشکلهای مدنی این شهر را به وصله پینه کردن قوانین قصاص متهم میکند نه مردم سنندج را میشناسد و نه بویی از انصاف و انسانیت برده است.

وقوانین زن ستیز اسلامی که حتی اگر مشکلی پیش بیاید بچه نخواهد توانست هیچ نوع اعتراضی بکند چون زیر سن قانونی است. در قانون اسلام وقتی ازدواج با فرزند خوانده شرعی و قانونی است هیچ انتظار دیگری نباید داشت. اینجاست که به توحش و بیربیت اسلام که در آن برای انسان هیچ ارزشی فائل نیست پی میبریم و ماهیت هرچه بیشتر خود را آشکار میکند. زنان هیچگاه ساکت نبوده اند و ساکت نخواهند بود. به اندازه طول عمر حکومت ضد زن اسلامی مبارزات برابری طلبانه زنان در کنار مردان همچنان برای دست یابی به مطالبات حق طلبانه ادامه دارد.

چنین نوشته است ... "کل حرکت در چهارچوب قانون قصاص است.... در بسیاری محلات انجمنهای کمابیش غیر دولتی متشکل از همسایگان کمابیش خوشنام داتما در حال وصله پینه کردن توحش قصاص هستند. "بخشش" همانقدر انسانی است که آتش قصاص با یک تف حاکم شرع در مرکز آن!"

آیا واقعا این آدم نمیفهمد که مردم در ایران و در سنندج با نجات افراد اعدامی و در آوردن طناب دار از گردن آنها "در حال وصله پینه کردن توحش قصاص هستند" یا نجات جان انسانها؟ آیا عقل و شعور زیادی لازم است که هدف مردم شریف و آزادیخواه سنندج ایران را در این کارزار درک کرد؟

من مانده ام به چنین تفکر و چنین آدمی چه بگویم، بجز اینکه با تاکید اعلام کنم توهین به مردم و فعالین شهر سنندج ممنوع! فردی به اصطلاح سیاسی که خود را اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم میداند هنگامیکه چنین توهینی را منتشر میکند آیا یک لحظه میتواند خودش را به جای فرد اعدامی یا خانواده اعدامی قرار بدهد؟ آیا آنهمه انسان فعال و شریفی که شبانه روزی تلاش کردن جان این انسان و انسانهای زیادی را نجات بدهند عقل و شعورشان

مردم ایران با اقدام اخیر مردم سنندج برای نجات یک اعدامی به وجد آمدند و مردم و فعالین این شهر را ارج نهادند. مردم سنندج و فعالین این شهر توانستند با تلاشی شبانه روزی جان یک انسان را نجات بدهند. مردم برای گسترش فضای همبستگی و ارج نهادن به جان انسان حدود سه هزار نفر تجمع کردند و از انسانیت و نحوه برخورد با مجرم سخنرانی کردند و شعر سرودند. مردم با نوع دوستی و همبستگی انسانی خود فضای شهر را مملو از محبت و صمیمیت کردند. دست جمهوری اسلامی را برای خونریزی بیشتر بستند و یک انسان را از دهن اژدها در آوردند. این اقدامات انسانی بحق مورد ستایش همه مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گرفت.

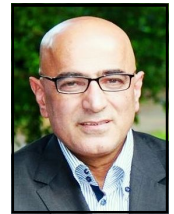
اما در وسط ابراز احساسات و پیروزی مردم سنندج یک پارازیت پیدا شد و این حرکت باشکوه مردم را با گستاخی تمام "وصله پینه کردن قانون قصاص نامید!؟" یک نفر به اسم مصطفی اسپور در نوشته ای این هزاران نفر از مردم سنندج را به باد توهین و تحقیر گرفته است. متأسفانه سایت آزادی بیان هم از سر سهو یا عمد این نوشته توهین آمیز را درج نموده است. او خطاب به مردم سنندج

این دو زن سخنگوی اسلامی که در پرتو اسلام و قرآن وجودشان انکار میشود با همین درک از اسلام و قرآن زندگی تحقیر آمیزی را برای خود رقم زده و میکوشند نسخه آن را برای بچه ها و زنان دیگر نیز تجویز کنند.

این طیف اسلام زده و بشدت عقب مانده، با چنین درک و تعلقی که از اسلام ارائه میدهند، تا کنون خدمت زیادی به اسلام و قرآن کرده اند و همزمان تلاش آنان یعنی تداوم انقیاد زن در حیظه احادیث و اراجیف اسلامی.

سوال اینجاست کودک کیست و سن مشخص و قانونی که برای ازدواج که از نظر اسلام زیر سن ۱۵ سال است آیا در دفاع از این کودک چه قوانینی موجود است و وظیفه حمایت اسلام از این دختران زیر سن

نگذاریم احکام اعدام اجرا شود! متحدانه علیه مز دوران نظام اسلامی بایستیم. سخنی با مردم سرپل ذهاب



نسان نودینیان

نظام اسلامی، هستند. مردم! احکام اعدام و قصاص در قوانین قوه قضائیه را باید کنار زد. مردم در سطح گسترده مخالف اعدام و قصاص هستند. انسان کشی و احکام اعدام در نظام های استبدادی و دیکتاتوری برای ادامه بقا سیاه و خونین حاکمان در قدرت است.

نباید بگذاریم اعدام در ملاعام اجرا شود.

راه حل جلوگیری از اجرای احکام اعدام و قصاص در ملاعام کارهای مشترک و ابتکاری مردم در شهرها است.

باید فضای شهرها را برای اعتراض به اجرای احکام اعدام و حلق آویز کردن انسانها را سازماندهی کرد.

باید حق حیات از جان انسانها را محور قرار داد.

فراخوان ما دخالت فعال است، فراخوان ما جلوگیری از اعدام و قصاص است. فراخوان ما تظاهرات علیه اعدام و قصاص است. فراخوان ما سازماندهی توده ای مردم و جلوگیری از برپا کردن چوب های دار اعدام در ملاعام است. و فراخوان ما این است، راه رسیدن به یک دنیای بهتر دنیایی که اعدام و قصاص جزو قوانینش نیست، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

فراخوان ما بسط و گسترش جنبش سرنگونی و راه های رسیدن پایین کشیدن نظام جمهوری اسلامی، است. *

نوزدهم دی ماه جمهوری اسلامی دو فرد را به اتهام سرقت در ملاعام حلق آویز کرد.

اجرای احکام اعدام عمل شنیع دولتی و قوه قضائیه نظام جمهوری اسلامی است. این نظام ضد انسانی بر پایه اعدام و دستگیری و زندان و با نیروی سپاه پاسداران توانسته در قدرت بماند. اگر اعدام را از این نظام جمهوری اسلامی بگیریم پایه های بقا و در قدرت بودن این نظام در هم خواهد ریخت.

حضور شما مردم سرپل ذهاب در اجرای احکام اعدام در ملاعام آگاهانه یا ناآگاهانه اقدامی است که اهداف کثیف و ضد انسانی جمهوری اسلامی را تقویت میکند.

مردم باید آگاهانه در اجرای احکام اعدام شرکت نکنند. این فراخوان ما با واقعیتهای زنده امروز و مبارزات مردم بویژه علیه اعدام و لغو احکام امنیتی منطبق است.

مردم سنندج، روانسر و سقز و همچنان در سطح سراسری در ایران با راه اندازی کمپین بخشش و پایین کشیدن طناب های اعدام، مانع اجرای احکام اعدام ضد انسانی

ازدواج دختران ۱۳ سال

عزیزه لطف الهی

سال گفته: این تلاشها «از پایه کار اشتباه و بیهوده ای است و بی توجهی به فتوا است". زهرا آیت الهی، رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان هم معتقد است که باید ازدواج دختران نوجوان را تسهیل کرد. او درباره ازدواج دختران ۱۳ ساله ای که بقول او "خودشان تمایل به ازدواج دارند" گفته که باید خانوادهها رضایت داشته باشند اما اگر دختر ۱۴ ساله است و می خواهد ازدواج کند، باید به او کمک کرد.

.....

زهرا سجادی، دبیر مجمع زنان فرهیخته انقلاب اسلامی "اخیرا درباره ازدواج دختر بچه ها گفته: «برای همه نمی توان یک نسخه پیچید. در اقلیمهای گرمسیر برخی می توانند در سن ۱۳ سالگی و حتی پایین تر آمادگی ازدواج داشته باشند". زهرا سجادی در واکنش به تلاش برخی نمایندگان برای اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳

سران حکومت و دیگر آخوندهای مفتخور اسلامی است. وقتیکه فضای مجازی حبله ها، مکاری و جنایات بیشمار حاکمان اسلامی را نه تنها در میان مردم در ایران بلکه در برابر دیدگاه جهانیان قرار میدهد، آنرا فضای "آلوده و کثیف" نام می نهد. او حق دارد دچار سراسیمگی شود چرا که همین فضای مجازی میرفت که در خیزش اعتراضی سال ۸۸ با بزیر کشیدن حکومت اسلامی، شان و منزلت را به جامعه بازگرداند و همه مفتخوران اسلامی را به گور خوابان واقعی و ابدی تبدیل کند. فضای مجازی ابزاری برای متحد کردن، متشکل کردن و نورافکنی در دنیای امروز است که عمق کشف و لجن حکومت اسلامی را عیان میکند.

حکومتی با کاربردستانی دزد و آدم کش که نزدیک به چهار دهه در فساد و لجن غوطه ور هستند و جامعه ای هشتاد میلیونی را به تباهی کشانیده اند، تنها با همت و تلاش انقلابی مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی جامعه ای انسانی میتواند به این وضع خاتمه دهد. آثار و علائم این تالشها را هر روز به وسعت سراسر ایران شاهد هستیم. در این میان بدون شک فضای مجازی نیز، از توئیتر و فیسبوک گرفته تا تلگرام و دیگر شبکه های اجتماعی در تحولات پیش رو غوغای عظیم تری بپا خواهند کرد و در جaro کردن کبان اسلام و کاربردستانی آن توسط انقلاب مردم، نقش و جایگاه تعیین کننده ای خواهند داشت.

۱۶ دی ۹۵

۵ ژانویه ۲۰۱۷

آمریکا؟. مردمان کشورهای اسلام زده در سایه اسلام و قرآن و با دخالت مکارانی چون شیرازی و دیگر آیت الله های میلیاردر حاکم بر ایران زندگی شان بدتر از گورخوابها تنباه شده است. در پاکستان، در افغانستان، در عراق، در سوریه و در دیگر کشورهای اسلام زده همین سرنوشت را اسلام و قرآن برایشان رقم زده است. مکار فقط آمریکا را نشانه رفته است. بدون شک فقر و نداری در سایه سود و سرمایه در آمریکا و در چهار گوشه این کره خاکی امروز بیش از هر زمان دیگری بیدار میکند که جمهوری اسلامی برجسته ترین گنداب این باطلات است. انتخاب آمریکا برای مکار شیرازی از سر خاصیت موضع "ضد امپریالیستی" حکومت اسلامی است که آیت الله های مفتخوری چون او بر بستر این شعار لم داده و می چابند. مکار شیرازی گورخوابی در سایه حکومت خدا و اسلام را بهتر از کارتن خوابی در آمریکا میداند. آنچه حاکمان زشت به تنهایی دارند، نظام اسلام و خدا همه را یکجا دارد.

مکار شیرازی، "از رئیس جمهور، دولتمردان، صدا و سیما و همچنین نهادهای قضایی می خواهد دست به دست هم داده و برای آن فکری کنند".

رئیس جمهور دولتمردان، صدا و سیما و همچنین نهادهای قضایی همگی بخشی از صورت مسئله و از شرکای جرم و جنایت و از مسببان تباهی زندگی مردم و خلق گورخوابی هستند.

حملات مکار شیرازی به فضای مجازی بخاطر رو کردن، افشا و علنی نمودن تمامی کلاشی های

بسته آمده در ایران برای دست یابی به یک زندگی شایسته انسان امروز، یک زندگی مرفه، خوشبخت و سعادتمند، توأم با حرمت و کرامت انسانی، راهی جز به زیر کشیدن حکومت دزدان، چپاولگران و آدمکشان اسلامی پیش رو ندارد.

۱۵ دی ۹۵

۴ ژانویه ۲۰۱۷

.....

در فضای مجازی غوغای عظیم تری در راه است

آیت الله مکار شیرازی صبح روز چهارشنبه ۱۵ دی گفت: "با داستان گورخوابها در فضای مجازی غوغا کردند؛ در حالی که آمریکا صدها هزار نفر کارتن خواب دارد / فضای مجازی به فضای آلوده، کثیف و منجلا ب تبدیل شده فساد در فضای مجازی غوغا می کند. از این مشکلات و معضلات جامعه آمریکا خبری درز پیدا نمی کند؛ اما وقتی چند نفر در کشور ما دچار این مشکل می شوند، آن را در فضای مجازی بیدار می کنند". او تاکید کرد: "اصلاح این فضا هزینه دارد؛ ولی هزینه آن چنان زیاد ندارد؛ لکن سرنوشت جامعه با آن مرتبط است و باید فکری برای آن کرد. او افزود: امیدواریم رئیس جمهور، دولتمردان، صدا و سیما و همچنین نهادهای قضایی دست به دست هم داده و برای آن فکری کنند".

انتشار تصاویر در گور خوابیدن و در درون لوله فاضلاب خوابیدن در سایه نظام خدا و اسلام، صدای مکاران پول خواب را درآورده و در وحشت از بتصویر کشیده شدن هر چه بیشتر ماهیت اسلام و قرآن توسط مجریانش، آنان را بشدت سراسیمه کرده است. چرا فقط

عبدل گلپریان

یادداشتهای هفته



دوره کنونی برای دزدان حکومتی تداوم سر بالایی است

حکومت اسلامی را نگه دارد، با تالشهای باند لاریجانی ها و دیگر جناحهای رژیم فرقی ندارد. از اصولگرا و اصلاح طلب گرفته تا دیگر شبکه های تار عنکبودی در نهادهای مختلف و سپاه، همگی دستشان به ریسمان خدا آویزان است. هر دسته، جناح، باند و گروهی هدفی جز پایداری نظام اسلامی که منبعی عظیم برای غارت، چپاول و دزدبهایشان بحساب می آید ندارند.

از یک سو غارت و چپاول هستی مردم و میلیاردر شدن اوباشان اسلامی حاکم بر کشور و از سوی دیگر حقوقهای زیر خط گرسنگی، حقوقهای چندین ماه بتعویق افتاده کارگران، مرگ تدریجی گورخوابها و کارتن خوابها و دهها درد و مصیبت اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده به مردم، تقابل هر روزه ای را بین مردم با حاکمان به امری روزمره تبدیل کرده است که مدام اوج میگردد.

اسبها در سربالایی همدیگر را گاز میگیرند. اما دوره کنونی برای دزدان حکومتی تداوم آن سربالایی است که مردم بسته آمده، مردمی که زندگی شان چهار برابر زیر خط فقر قرار گرفته است، مردمی که ماهیت دزدان حکومتی، از ولی فقیه گرفته تا پایینترین تفاله های اسلامی برایشان همچون روز روشن عیان است، با اعتراضات و ناراضیتهای های هر روزه خود به آنان تحمیل کرده و منتظر فرصتی برای پایان دادن به جهنم اسلامی حاکم بر ایران هستند. فضای ملتتهب و اعتراضی در میان مردم بویژه فضای کاربدستان بالای قوه قضاییه و قوه مجریه به همدیگر بر سر غارت هستی مردم گویا تر از هر گونه حساسی بر سر حسابهای هر کدام از نهادهای غارتگر حکومت اسلامی است. تلاش حسن روحانی که می خواهد چهار سال دیگر

حسن روحانی در آخرین توئییت خود در روز سه شنبه ۱۴ دی در حساب توئیتری اش اعلام کرد که:

"دولت حاضر است با تشکیل سامانه ای تمامی دخل و خرج و حسابهایش را روشن کند و از قوه قضاییه خواست که حسابهایش را روشن کند". این اظهارات واکنشی به سخنان روز دوشنبه لاریجانی رئیس قوه قضاییه است که گفته بود: "بابک زنجانی به ستاد حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲، کمک مالی کرده" و افراد مرتبط با این موضوع احضار می شوند و اگر لازم شد، بازداشت خواهند شد".

در ادامه گاز گرفتتهای هر دو قوه مجریه و مقننه از همدیگر، محسن اژه ای هم روز چهارشنبه وارد گود شد و گفت: "من خواهش می کنم شرط نگذارند، بیان کردن دخل و خرج ها شرط نمی خواهد، بیاید بگویند برای انتخابات چقدر هزینه کرده ایم و این هزینه ها از کجا تأمین شده است".

این اولین بار نیست که مقامات حکومت اسلامی از دزدی، فساد، حقوقهای نجومی و میلیاردر شدن همدیگر از قبل هستی مردم سخن میگویند. تاریخ موجودیت حکومت اسلامی از همان بدو ظهورش با فساد، دزدی و چپاول هستی مردم و دسترنج نیروی کارکن عجمین بوده است. نفس لگدپیرانی کاربدستان بالای قوه قضاییه و قوه مجریه به همدیگر بر سر غارت هستی مردم گویا تر از هر گونه حساسی بر سر حسابهای هر کدام از نهادهای غارتگر حکومت اسلامی است. تلاش حسن روحانی که می خواهد چهار سال دیگر



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی



**نسرین رمضانعلی؛ خبر مرگ
زارا خانم (زهره کاکه سوری) همه
ما را سوگوار کرد.**

زهره خانم انسانی مبارز و همیشه لیخندی بر لب داشت. آشنائی من با دایه زهره برمیگردد به زمانی که نوجوانی بودم و ما همسایه بودیم.

گرامی میداریم یاد؛ دایه زهره، دایه کبرا، دایه کالی، دایه سبیه، دایه خالخاص صدفا نفر از مادرانی که زندگی شان را در راه آرمانهای انسانی و به عنوان قهرمانان واقعی رویاروی با دورانهای سخت ادامه دادند. عزیزانی که سمبل واقعی "نه" به ارتجاع درست در شدیدترین دوران بگیر و به بندها بودند. و شخصیتهای بزرگی که "سرخی" تاریخ پر از مبارزه مردم سنج و حرمت و عظمت سوسیالیسم و آرمانهای برابری طلبانه و انقلابی در کردستان، بخشی از داستان واقعی زندگی آنهاست.

دایه های انقلابی ما؛ بارها وقتی دور هم جمع میشدند همدیگر را از آخرین اخبار عملیاتها پیشمرگان مطلع میکردند. گاهی اشکهایشان جاری میشد. همدیگر را دلداری میدادند. اما اراده ای محکم داشتند. هیچگاه برای مرگ جگرگوشه هایشان سیاه نپوشیدند هیچگاه نگذاشتند دشمنان غمشان و اشکشان را ببینند. حتی وقتی که حکومت هار اسلامی فقط میخواست مطلع باشد که چه زمانی بر مزار عزیزشان میروند حاضر شدند هیچگاه بر سر مزار فرزندانشان نروند اما این تقاضا را از مزدوران جهل و سرمایه نخواستند.

دایه زهره از زمره نسل مادرانی بود یکی از بزرگترین آرزوهایش سرنگونی این حکومت هار اسلامی

این کارگران در بیرون مجتمع و در فضای باز است.

بیش از ۵۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت مهلباد که پس از واگذاری مجتمع از طریق مزایده، بیش از ۱۶ ماه است دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند، در سی و هشت روز گذشته، در هوای سرد چادر زدند و با افروختن آتش در سرما به تجمع خود ادامه دادند. حالا نماینده این کارگران که همچنان بیرون مجتمع ایستاده‌اند و در حال اعتراض هستند، می‌گوید: در روز سی و هفتم تجمع، آمدند و از ما خواستند که چادرها را جمع کنیم. نیروی انتظامی با حکم آمد و گفت چادرها غیرقانونی است؛ باید جمع شود.

این کارگر با بیان اینکه مسئولان محلی و استانی در این مدت طولانی اعتراض، پاسخگویی کارگران نبوده‌اند؛ ادامه داد: نه تنها حق و حقوق ما را ندادند بلکه مجبورمان کردند چادرها را هم جمع کنیم. مراجعات ما به مقامات هیچ نتیجه‌ای نداشته است اما چه با چادر چه بدون آن، به اعتراض ادامه می‌دهیم.

دولت باید فوری حقوق های پرداخت نشده و مطالبات مزدی کارگران کشت و صنعت مهلباد را پرداخت کند!

دیدار و سفر به محل تجمع کارگران کشت و صنعت مهلباد تقویت عملی این مبارزه است. از همه مردم مهلباد میخواهیم

کارگران کشت و صنعت را تنها نگذارند و به هر شکل ممکن از آنها حمایت کنند. شهر مهلباد باید

یکپارچه به حمایت از خواست های عادلانه کارگران برخیزد و این مبارزه را متحدانه به پیروزی برساند. حضور فعال خانواده های کارگران کشت و صنعت مهلباد در این مبارزه فاکتور تعیین کننده برای به پیروزی رساندن آن است. خانواده ها میتوانند مانند خانواده های کارگران معدن سنگ آهن بافق در مرکز شهر و یا در مقابل یکی از ادارات دولتی چادر بزنند و توجه مردم شهر را به این اعتراض مهم جلب کنند.

هم اکنون کارگران کشت و صنعت مهلباد اعتراض مشترک و متحدانه ای را هدایت میکنند. متکی کردن این تجمع اعتراضی به

جلسات مجمع عمومی، اراده و قدرت اعتراضات کارگران را بالا برده و در تقویت اعمال اراده جمعی بر توان و قدرت اعتراض میفزاید.

جانباختن رحمان خسروی چهره شناخته شده و مبارز شهر بوکان

"رحمان خسروی" یکی از چهره های شناخته شده و مبارز بوکان و سقز در سن ۵۶ سالگی در جریان وقوع تصادف در جاده سقز - بوکان جان خود را از دست داد.

رحمان خسروی اهل روستای "تونه چی" و ساکن بوکان یکی از انسانهای خوشنام و مبارز قدیمی

بوکان و سقز بود که چندین بار از سوی نهادهای امنیتی رژیم احضار و مورد بازجویی و اذیت و آزار قرار گرفته بود. این چهره مبارز شهرهای بوکان و سقز روز جمعه در يك حادثه تصادف در نزدیکی روستای "سرا" جان خود را از دست داد.

(کمیتته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جانباختن رحمان خسروی را به همسر و فرزنداناش و مردم شهر بوکان صمیمانه تسلیت میگوید).






کمیته

برای آزادی کارگران زندانی در ایران

احکام زندان

همه فعالین کارگری

FREE THEM NOW!

باید فوراً لغو شود!





باید آزاد شوند

کارگران و معلمان زندانی در ایران










احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

ادامه اعتصاب غذای هاجر پیری

به گزارش بازداشت به نقل از ماف هاجر پیری زندانی سیاسی از اهالی نقده از ۵ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده و خواستار انتقالش به یک بند سالم بوده است. هاجر پیری ۳۳ ساله، اردیبهشت ۸۶ توسط نیروهای اطلاعاتی نقده بازداشت و مدت ۷ ماه در بازداشتگاههای اداره اطلاعات شهرهای نقده و ارومیه نگهداری شده بود. این زندانی سیاسی مهرماه سال ۸۶ در شعبه یکم دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد و اقدام علیه امنیت ملی" توسط قاضی حصری به ۱۷ سال حبس و تبعید به زندان کرمان محکوم شد. هاجر پیری روز جمعه ۳ دی ماه پس از ۹ سال حبس در زندان کرمان با دستبند به زندان مرکزی تبریز منتقل شده بود.

خون بازی، خشونت دختران با بدن خود

دختران نوجوان در مدرسه‌های در ایران «خودزنی» می‌کنند. این موضوع گزارشی تصویری است که در سایت "عصر ایران" منتشر شده است و می‌گوید این رفتار خشن در میان دانش‌آموزان دختر ۱۴ تا ۱۶ ساله شیوع دارد. بر اساس این گزارش، اغلب این تیغ زدن‌ها در مدرسه انجام می‌شود. خودزنی، رفتار تازهای در میان دختران نوجوان نیست اما ممکن است شیوع آن نسبت به دهه‌های پیش بیشتر شده باشد.

بچه‌ها به این کار می‌گویند «خون بازی» و آن را عامل آرامش خود می‌دانند. می‌گویند با گریه و داد زدن و فریاد زدن آرام نشده‌اند اما این کار آرامشان کرده. یکی دیگر می‌گوید که به خاطر رفع سوتفاهم دوست پسرش این کار را کرده. آنها برای آرامش روشی خشن برگزیده‌اند. دست، ران پا و سرشان را برای بازی با خون انتخاب کرده‌اند. اما دلیل خون بازی تمام دختران واکنش به خشونت نیست. برخی به علت تقلید از دیگران این کار را می‌کنند. لازم

به ذکر است آزار رساندن به خود یکی از عوارض شناخته شده بحران روحی است که در اکثر جوامع وجود دارد.

آزار خود در شکل‌های مختلفی بروز می‌کند. سوزاندن بدن، اجتناب از خوردن غذا، بالا آوردن عمدی محتویات معده بعد از خوردن غذا، خراشیدن صورت و بدن، کشیدن موی سر و خودزنی با تیغ از شکل‌های شناخته شده آزارند خویش است.

در صورتی که مساله به یک فرد یا تعداد اندکی محدود باشد چندان جای نگرانی نیست، چون می‌توان فرد را به عنوان یک مورد خاص بررسی کرد و علت را پیدا کرد. معمولاً یکی از نشانه‌های بیماری بوردلین (Borderline) آزار رساندن به خود است. ولی وقتی مساله به شکل اپیدمی بیرون می‌آید، دیگر یک ناهنجاری روانی در یک فرد مشخص نیست بلکه یک مساله اجتماعی است.

یادداشتی از آنا فردانی

۲۰ دی ماه یاد آور خاطره ای است که تنها به دلیل انتشار ویدیویی که در آن از ضرب و شتم به دلیل کشیدن نقاشی روی لیوان های کاغذی در سلول انفرادی، سخن گفته بودم؛ به طور ناگهانی به دادگاه احضار و با ضرب و شتم پیش چشمان خانواده ام در حالی که مادرم فریاد می کشید دخترم رو زنید و پدرم به گریه افتاده بود؛ به زندان مخوف قرچک منتقل شدم و هرگز گمان نمی کردم دیگر به خانه بازگردم... اردیبهشت ۱۳۹۵ با حمایت های "انجمن کاریکاتورپرست های آمریکا، CRNI نیک آهنگ کوثر و بسیاری از هنرمندان عزیز، سازمان ها و مدافعان بین المللی حقوق بشر و با حمایت های بسیاری از فعالان مدنی و سیاسی داخل کشور که به دلایل امنیتی از ذکر نام آنها معذورم و حمایت های هموطنان عزیزم در ایران و خارج از کشور"، به آغوش خانواده و جامعه بازگشتم. اما آنچه قابل بازگشت

نیست؛ نشخوار مداوم تك تك عناصری در ذهن است که بعد از زندان معنایی متفاوت و گاه هولناک به خود می گیرند؛ هم چون یک "لیوان کاغذی" که بسیاری را چون عطر چای، جانشان را گرم می کند، اما برای من دیدنش وجودم را سراسر خشم...! و یاد کسانی دایما برایم زنده می شود که چون دایره های سفید لیوان های کاغذی، روزها و عقریه های ساعت را به تکرار، بی نام و نشان در زندان دور می زنند...! فراموششان نکنیم دایره های بی نشانی چون: "فهیسه اعرفی، مریم اکبری منفرد، الهام برمکی، بهناز ذاکری، فاطمه مثنی، رویا صابری نژاد، زهرا زهتابچی، مریم نقاش زرگران بریحانه حاج ابراهیم دباغ، مرجان داوری، نازیلا حمیدادو و...!>>>

معصومه ضیا درفرودگاه بازداشت شد

معصومه ضیا در فرودگاه بازداشت شد صبح روز ۱۷ دی ماه ۹۵ معصومه ضیا از فعالان عرفان حلقه، هنگام بازگشت از سفر خارج کشور در فرودگاه توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت شد. "معصومه برای دیدار با بستگانش به خارج از کشور رفته بود و صبح امروز هنگام بازگشت در فرودگاه بازداشت شد. "با اینکه معصومه یکسال حکم حبس داشت ولی هنگام خروج مشکلی برایش پیش نیامده بود. اما هنگام بازگشت به وی گفته اند شما ممنوع الخروج بوده اید. بعد از حدود دوساعت ماموران اطلاعات او را به منزل برده و ضمن تفتیش خانه، کلیه وسایل ارتباطی الکترونیکی او مثل کامپیوتر و موبایل و غیره را توقیف و با خود بردند. "به وی گفته اند این بازداشت ربطی به پرونده قبلی ندارد و این یک پرونده جدید است. "معصومه ضیا که در جریان تجمع شاگردان محمدعلی طاهری در مقابل دادگاه انقلاب بازداشت شده بود، در دادگاهی که در تاریخ ۱۸ بهمن ماه سال ۹۳ به ریاست قاضی احمدزاده برگزار شد، به اتهام اخلاف در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی، به تحمل یک سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

ضرب و شتم دست فروشان ، اینبار در تبریز

روز پنجشنبه ۱۶ دی ماه ، دستفروشی در ساعت ۵ عصر در میدان صاحبالامر تبریز توسط مزدوران شهرداری تبریز مورد ضرب و شتم قرار گرفت. در ماههای گذشته در شهرهای مختلف ایران، دستفروشان بشدت مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار گرفته اند. حمله مزدوران شهرداری ها به دستفروشان در فومن و ارومیه و تهران و اهواز و شهرهای مختلف ، به یمن وجود استفاده وسیع مردم از فضای مجازی و رسانه ای شدن این معضل، دولت را با یک چالش بزرگ اجتماعی روبرو کرده است. سیلی خوردن زنی دستفروش توسط عوامل شهرداری در فومن کار را بجائی رساند که شهردار از این زن دلجوئی کند.

در اهواز دستفروشان با اتحاد و همبستگی شهرداری را به عقب نشینی وادار کرده اند. در تهران مقاومت دستفروشان در ابعاد گسترده ای جریان دارد و شهرداری ناتوان از جوابگوئی. میتوان گفت که مقاومت دستفروشان در برابر حملات

می‌شود، این جسد مربوط به ثریای ۲۴ ساله است که خانواده شوهرش او را کشته اند و سپس برای کتمان حقیقت جسدش را به دار آویخته اند. رزم‌آرا حواش، رئیس امور زنان تخار می‌گوید که ثریا دو شب پیش به بیمارستان این منطقه منتقل شد و این رویداد خودکشی ثبت شده است. به گفته حواش، آثار ضرب و شتم بر بدن ثریا دیده می‌شود.

یک منبع که نخواست نامش فاش شود به سلام وطندار می‌گوید که برای کتمان حقیقات خانواده شوهر ثریا پس از قتل، جسد او را به دار آویختند تا این قضیه خودکشی به نظر برسد به گفته شوکت عضو خانواده ثریا ، ثریا همواره تحت شکنجه بوده است و قرار بوده که یک روز بعد به خانه پدرش انتقال یابد، اما در این فاصله کشته می‌شود. خلیل اسیر، سخنگوی پلیس تخار می‌گوید که همسر ثریا بازداشت شده و تحقیقات پلیس در این زمینه جریان دارد. * * *

محرومیت از درمان مریم اکبری منفرد در بند زنان زندان اوین

مریم اکبری منفرد زندانی سیاسی در بند نسوان (زنان) زندان اوین، علیرغم بیماری، از رسیدگی پزشکی و اعزام به بیمارستان محروم بوده و عوارض بیماری اش درحال پیشرفت است.

کرکوک

روز دوشنبه ۲ ژانویه در کرکوک در محله ای به اسم زرکاری مردی همسرش را کشت. او در بازجوییهای اولیه گفته بود ه به خانه آنها دزد آمده وهمسرش را به قتل رسانده اند. اما روز شنبه ۷ ژانویه اعتراف کرد که خود او همسرش را به قتل رسانده.

جسد ثریای جوان پس از قتل به دار آویخته شد

مسئولان بیمارستان تخار از انتقال جسد یک زن جوان به این بیمارستان خبر می‌دهند. گفته

این نیز بگذرد! کسانی که در سیاه ترین دوران زندگی مردم به بزک کردن هیتلرها مشغول شده‌اید!



مینا احدی

این نیز بگذرد! رفسنجانی یکی از منفورترین و قسی القلب ترین رهبران حکومت اسلامی در گذشت و صفی از وقیحان و نان به روز خوران در لباس خبرنگار برای این جنایتکار قرن یقه درانی میکنند.

من اسم او را در دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۸ شنیدم که می آمد در آن روزهای انقلابی، در دانشگاه سخنرانی کند. آنزمان هنوز حکومت اشان لیزان بود. ورود آخوندی که برای ساختن حکومت اسلامی و جاری کردن قوانین شریعه دوندگی میکرد، برای ما دانشجویان چپ و آزادیخواه، موضوع مهمی بود برای اعتراض.

آنزمان هنوز جوجه های اعدام و تیم های ترور به دستور مستقیم رفسنجانی شروع کارشان بود، ما اعتراض کردیم و این آخوند از دانشگاه فرار کرد در حالیکه یک نعلین او در صحن دانشگاه باقی مانده بود. این یک موضوع مزاح بین ما دانشجویان بود.

اگر دریای خون جاری نمیکردند، اگر معمار حکومت اسلامی رفسنجانی و رفسنجانی ها دسته دسته جوانان انقلابی را نمیکشیدند، وضع همه این حاکمین فعلی حکومت اسلامی همین بود. فرار از دست مردم.

خاطرات بعدی من با این معمار همانند بسیاری و هزاران نفر در ایران شنیدن خبر اعدام عزیزان و دوستانمان در دوره ریاست جمهوری

او یا در دوران سازندگی این معمار وقیح و جانی حکومت اسلامی بود. نام او در هر ترور در خارج کشور ثبت است. نام او و اثر دستهای ننگین او در هر خونریزی در زندانها ثبت است.

بخاطر دارم که ۱۲ سال بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی، وقتی اعتراضات را میدید، دخترش فائزه رفسنجانی را به عنوان سفیر لیبرالیسم اسلامی و مدافع دوچرخه سواری زنان روانه خارج کشور کرد تا چهره دیگری از حکومت اسلامی نمایندگی کند و صدای اعتراضات در داخل کشور را ساکت کند، رودرویی دوم من با این خانواده در هلند بود، وقتی که به سفر فائزه

رفسنجانی برای بزک کردن حکومت اسلامی، اعتراض کردیم و گفتیم اگر به اینها امکانات بدهید جوجه های ترور ساخته دست پدراین "فمینیست اسلامی" فائزه خانم رفسنجانی که اکنون البته سرمایه دار مهمی نیز هست!! یعنی هاشمی

رفسنجانی، ما مخالفین را در شهرهای اروپا نشانه خواهد رفت. یک خاطره از سفر اول و آخر فائزه به خارج برای سخنرانی در ذهن همه ما نقش بست وقتی یک مادر سه سیلی به گوش فائزه زد و گفت برای سه پسر که به دست پدر تو اعدام شدند!! چرا امروز رسانه های فارسی زبان سراغ این مادران نمیروند اینرا باید از خودشان پرسید.

او شامه قوی داشت. وقتی نفرت همگانی را در جامعه میدید برای نجات کشتی به گل نشسته حکومت برنامه ریزی میکرد و حکومت را از بحرانهایی که در مقابلش بود، نجات میداد.

طنز تلخ تاریخ اینست که هر بار سخنی از اصلاح چیزی در دستگاه جنایت اسلامی میزد، دهها و دهها

خبرنگار و نان به نرخ روز خور در رسانه های رسمی فارسی زبان و بسیجی های اصلاح شده به صف شده و به و به و چه چه میکردند و به حکومت دیکتاتور اسلامی کمک میکردند که نفس بکشد و دوام یابد.

مرگ رفسنجانی برای بسیاری، مرگ جلا و جانی و معماری است که لبخند بر لب میکشید و پیش میرفت و حتی در ترورهای داخل حکومت نیز نقش داشت. اکنون شیاعاتی مبنی بر ترور خود این معمار پیر در رسانه های مجازی پخش شده است. ظاهرا دستگاهی و عقرب که خودش آنرا ساخته اکنون خود این جناب را نیش زده است.

از لحظه مرگ رفسنجانی تا امروز یک شوی مسخره و شرم آور در رسانه های فارسی زبان مثل بی بی سی و صدای آمریکا و رادیو فردا در جریان است. آه و ناله و بررسی های آن چنانی در مورد رابطه این مردک با حقوق بشر و نقش او در بهبود حقوق بشر و یا ترس مردم بعد از مرگ او از آینده خودشان و غیره و غیره به گوش میرسد. تنها یک جمله باید به فرخ نگهدارها و بهنودها و کارشناسان یک ریالی از این نوع گفت، این هم بگذرد، دور نیست

روزی که با سرنگون شدن این بساط ظلم و استبداد و این دستگاه جنایت و وقاحت، تکلیف شما ها هم روشن بشود. شمایی که در سیاه ترین دوران زندگی مردم به بزک کردن هیتلرها مشغول شده و نان کثیف خودتان را از قبل تعریف و تمجید از خامنه ای و رفسنجانی به دست آوردید. هیچ دیکتاتوری تا ابد دوام نیاورده و هیچ حکومت فاشیستی با وجود همه بادمجان دور قاب چینها نمیتواند تا ابد دوام بیاورد. این نیز بگذرد.

۲۰ دی ۹۵

کارگران پلی اکریل بازم در خیابانهای اصفهان راهپیمایی کردند

دستگیر کرد که با ادامه تجمع هرروزه کارگران مواجه شد. کارگران هر روز در کارخانه تجمع کرده و خواهان آزادی همکاران خود شدند. حتی یک شب را در کارخانه ماندند و از رفتن به خانه های خود اجتناب کردند. مقامات حکومت که تهدیداتشان علیه کارگران کارساز نشد کارگران بازداشتی را پس از یک هفته در روز ۶ آذر آزاد کردند. کارگران پس از چند روز تلاش همکاران خود را به سر کار بازگرداندن و با حلقه های گل از آنها استقبال کردند. اعتراض کارگران علیه کوچک سازی کارخانه و اخراج تعداد زیادی از آنها بود. این مبارزه همچنان به اشکال مختلف جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواست های کارگران پلی اکریل، خانواده های آنها را فرامیخواند در تجمعات و راهپیمایی های بعدی با تمام قوا شرکت کنند و کارگران و مردم شهر اصفهان را به حمایت از این مبارزه حق طلبانه تشویق کنند. باید با نیروی بیشتری به میدان آمد تا دولت و کارفرما را به عقب نشینی وادار کرد. این یک راه مهم برای جلوگیری از دخالت سرکوبگران حکومت نیز هست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دیماه ۱۳۹۵
۸ ژانویه ۲۰۱۷



تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم و
بدون "خطر" سوسیالیسم منجلا بی بیش نخواهد بود.